

در دوشماره گذشته، در تفسیر سوره مبارکه قدر، پیرامون شب قدر و فضیلت آن، و همچنین پیرامون کیفیت و مکان نزول قرآن، مطالبی را مورد مطالعه قرار دادیم. در این شماره دنباله همان مطالب و نیز سخنانی پیرامون علم و عبادت و امام علی (ع) به عنوان الگو اسوه عالمان و عابدان، از نظر خوانندگان عزیز می گذرد.

«و ما ادریک ما لیلۃ القدر». لیلۃ القدر خیر من

الف شهر

ترجمه: و توجه دانی که شب قدر چیست. شب قدر از هزار شب بالاتر است.

در آیه دوم کلمه «ما» بکاررفته است. گفته میشود «ما» مای تعجب است یا مای شگفتی میباشد. یابہ تعبیر دیگر ممکن است «ما» به معنای «استفهام انکاری» باشد. «توجه میدانی که لیلۃ قدر چیست. و اما حرف ک (تو) خطاب به پیغمبر (ص) میباشد که ظاهر آیه نیز چنین است. اگر (ک) خطاب به پیغمبر (ص) باشد «ما» تعجب عظمت را نسبت به لیلۃ قدر میرساند. که لیلۃ قدر بزرگ و باعظمت است.

البته این احتمال راداده اند. که خطاب است به کل موجودی که دارای فهم میباشد. و همچنین خطاب میکند به انسان (با استفهام انکاری) که ای انسان نمیتوانی درک کنی. (توجه دانی این شب قدر چیست) لیلۃ قدر را گفتیم، و آنرا در دو معنا پنداشتیم حالا سه جهت عظمت آن را بیان میکنیم:

۱- شبی است که در این شب تمام کتب آسمانی فرود آمد.

«و ما ادریک... از نظر «ارزش».

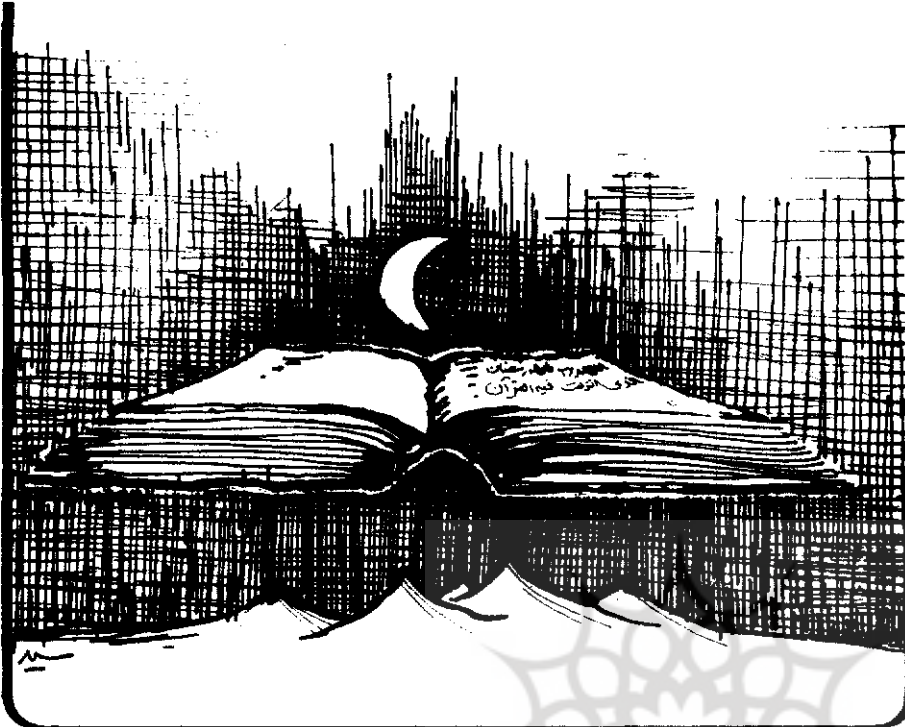
۲- شب قدر، برای اینکه شب عبادت کردن است

امتیاز خاصی دارد.

این از نظر زمانی بود که میخواهد ارزش آن را از نظر زمان بیان کند «و ما ادریک...» اگر کلمه «لیل» را به معنی زمان مخصوص بخیریم و «لیلۃ القدر» را عبارت از نفس کلی که نفس پیغمبر است

تفسیر سوره قدر (۳)

امام علی (ع)، تف



نمودند. این ۴ عابد که معروف بودند به عبادت از پیامبران الهی بودند. اسامی آنها عبارت است از: زکریا - ایوب - یوشع - ازیل. در شرح - حال اینها گفته میشود که ۸۰ سال خدا را عبادت کردند.

اصحاب پیغمبر (ص) از شرح حال این ۴ نفر در شگفت بودند، که در این هنگام جبرئیل نازل شد بر پیغمبر خدا، و این آیات شریفه را بر پیغمبر (ص) نازل کرد که در اینجا بحث، بحث تنزیل است. «انا انزلناه فی لیلۃ القدر. و ما ادریک ما لیلۃ القدر. لیلۃ القدر خیر من الف شهر».

و خطاب کرد از ناحیه خداوند به پیغمبر (ص) که عبادت یک شب تو، بهتر از عبادت هزار ماه است.

یعنی در رابطه با عمل آن ۴ عابد که ۸۰ سال خدا را عبادت کردند.

با توجه به خطابی که جبرئیل به پیغمبر کرده بود آیا بدست نمی آید که «لیلۃ القدر» در رابطه با شخص پیغمبر باشد؟؟ پس معلوم میشود که «لیلۃ القدر» تو هستی ای پیامبر.

«شب قدر هر شبی است که تو در آن عبادت کنی»

در تفاسیر مبینیم همین روایت و شان نزول را

دائما «لیل» را تکرار میکند و با ضمیر و دش نمیکند. پس معلوم میشود نقل کار و نقش اساسی این سوره روی «لیل» دور میزند. آن چیزیکه در روی آیات است از روی تکرار کلمه «لیل» میتوانیم استفاده کنیم که در این آیات بزرگی و عظمت «لیلۃ»

*** چون کاملترین علوم الهی، که درخور تغذیه انسانها باشد، بر قلب مقدس پیغمبر نازل شده است، عبادت او در یک شب، بهتر از عبادت ایوب و زکریا است.**

«القدر» به مقداری است که قابل درک برای هرفی شعوری نیست که زیاد روی آن تکیه میکند. احتمال خیلی بیشتر این است که خطاب درباره پیغمبر (ص) است. شب قدر بهتر از هزار ماه است. این آیه یعنی چه؟... در اینجا مسئله شان نزول این آیه شریفه را مطرح میکنیم:

راجع به این سوره و بخصوص این آیه ۳ نظریه از روایت و از تواریخ ذکر میکنیم:

جهت اول: «در روایتی است پیغمبر اکرم (ص) درین صحابه نشسته بودند و مسئله ۴ عابد را مطرح

بگیریم نتیجه میشود که در اینجا میخواهد عظمت و بزرگی روح پیغمبر را القا نماید.

«انا انزلناه فی لیلۃ القدر. و ما ادریک ما لیلۃ القدر» توجه دانی که چیست آن زمان یا ارزش و آن وجود با ارزش و بزرگوار بنابراین، احتمال اول مربوطه به «نفس پیغمبر» میباشد. «لیلۃ القدر خیر من الف شهر»

ترجمه: «شب قدر بهتر از هزار شب است» خود این آیات گویاست که این سوره شریفه روی کلمه «لیل» تکیه دارد. و متوجه میشویم که

سیر سوره قدر

نقل میکنند. چه شده است که عبادت تو در یک شب بهتر از عبادت هزار ماه ایوب زکریا... شد؟ برای چه؟ در خود آیات علتش را کدر میکند و جهش اینست. انا انزلناه فی لیلة القدر «فرو فرستادیم کاملترین علوم الهی را که در خور تغذیه انسانها باشد بر قلب مقدس تو. لذا یک چنین عظمتی پیدا کردی که عبادت یک شب تو بهتر است از هزار ماه آنها. پس جهت اینست.

اول ذکر کرده «انا انزلناه... و ما ادریک...» تو نمیدانی لیلة القدر چیست؟ شب قدر بهتر از هزار ماه است. بخاطر آن نزول بهتر از هزار ماه است. در نتیجه، قلب مقدس پیغمبر (ص) ظرف اندازه گیری امور میباشد.

در اینجا یک معیار به انسان میدهد و در نتیجه می گوید، ارزش عبادت انسان بر چه محور و معیاری دور میزند. معیار همه اینها «علم» است.

چه شده است که پیغمبر یک شب عبادتش از هزار ماه برتری دارد، چون آگاهی بیشتر است. البته علم به معنای «بینش و معرفت و آگاهی در رابطه با خالق «عظمت پیغمبر در پیشگاه خداوند و در جامعه انسانی روی علومی که در مادیات است، نبود، بلکه روی علوم اصیل او بود در رابطه با حق.

ارزش عبادت و پرستش بر مبنای «علم» است. و اما روایتی دیگر از پیغمبر (ص):

«پیغمبر روزی در جلسه ای نشسته بودند شخصی از ایشان سوال نمودند یا رسول الله جنازه ای را میخواهند تشییع کنند و از طرفی هم مجلس علمی برقرار است. آیا جنازه را تشییع کنم بهتر است یا در آن مجلس علم حاضر شوم؟...»

حضرت فرمودند: اگر هستند کسانی که آن جنازه را بر سر منزلش «گور» برسانند و به او رسیدگی نمایند، برو در محضر علم حاضر شو.

چون در محضر علم حاضر شدن بهتر است از هزار جنازه مسلمان تشییع کردن، هزار بیمار مسلمان عیادت نمودن، هزار حج مستحب رفتن....

آیا ندانستی که خداوند اطاعت می شود از راه علم. اینرا تو نمیدانی این که خدا اطاعت میشود صد درصد به سبب علم است و از روی معرفت و بینش و علم میتوان خدا را خوب شناخت.

هرچه فهم تو نسبت به شناخت خدا بیشتر باشد، در نزد خدا بیشتر عبادت تو پذیرفته است. شناخت

انسانی که عادی است نسبت بیک عالم اسلامی یکی است؟ آیا شناختی که یک عالم اسلامی نسبت به یک عالم دیگر که در مرتبه بالاتر است. مساوی است؟ نه ارزش آن را کسی که یائین تر است نمی فهمد. هر چه شناخت به منبع یعنی «الله» بیشتر باشد، کرنش نیز بیشتر است.

آیا ندانستی که خداوند اطاعت میشود به علم. تذکر: اگر انسان روی همین مبانی که اسلام داده است کار کند از آنها مصونیت پیدا کند اگر زیر بنای فکریمان را اول درست کنیم کار درست می شود. فقط به روایتا تکیه نمی کنیم.

روایت از علی (ع): **الْمُؤْمِنُ كَالْجِبِلِ الرَّاسِخِ** مومن مثل کوهی است یا برج. مسائل ریشه ای را فدای سطحی نکند.

روایت از علی (ع): یکساعت در محفل علم نشستن و علم آموختن از هزار سال عبادت بهتر است.

گفتیم که **«لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»** ارتباط با شخص پیغمبر اکرم (ص) بود که یک شب عبادتش (عبادت پیغمبر (ص) چون از روی علم و معرفت نسبت به پروردگارش بود) بهتر و افضلتر از هزار ماه است در رابطه با آن ۴ عابد. و زیبایی مطلب در اینجا است که هزار ماه اگر بخواید تبدیل به سال شود تقریباً ۸۰ سال میشود. آنهم در رابطه با عبادت ۴ عابد. این جهت اول بود. و اما جهت دومش، از خود پیغمبر اکرم (ص) است. نسبت به عبادت قوم بنی اسرائیل، در متون اسلامی دارد که آنها ۸۰ سال

روزه بی دربی گرفتند و شبها تا به صبح در عبادت بودند. امت پیغمبر اکرم (ص) اگر از روی بینش و معرفت دقیق نسبت به پروردگارشان، عبادت کنند، عبادت یک شبشان از هزار شب قوم بنی اسرائیل برتر و افضلتر میباشد.

روایتی از اصول کافی: بعضی از اصحاب به حضرت امام صادق (ع) عرض کردند، کیف تکون لیلة القدر خیر من الف شهر. چگونه است که شب قدر بهتر از هزار ماه میباشد. امام در جواب میفرماید: عمل در شب قدر بهتر از هزار ماه است که در میان آن هزار ماه شب قدر نباشد.

یا توجه به اینکه میخواهد عظمت شب قدر را برساند از نظر مقطع زمانی. آنچه که مفسرین روی آن تکیه کرده اند جهت دوم است.

وقتی که گفته میشود «لیلة القدر خیر من الف شهر» میخواهد ارزش این شب را برساند آنهم از نظر ارزش عبادات.

در روایاتی می بینیم راجع به ارزش عبادت، نسبت به مقطعی سال از نظر زمانی تکیه شده، و همچنین در بین ماهها، روزهای خاصی مورد نظر است. تا میرسد به شب قدر. مکانها هم با هم فرق دارند از نظر ارزش عبادتی. مثل: مسجد النبی، مسجد الحرام مسجد کوفه و غیره. مکان و زمان هم از نظر ظرفیت نسبت به عمل فرق میکنند در رابطه خاصی که زمان دارد. (اینها همه ارزشهای اکتسابی است نه ذاتی) آن چیزی که به زمان و مکان ارزش می دهد چیز دیگری است. شب قدر، شبی است که تقدیر امور در آن است لذا ارزشش از این نظر بیشتر است. عبادت کردن در آن مقطع زمانی ارزشش بیش از هزار ماه است.

اصلاً خصوصیت خاصی دارد می بینیم روز «قدر» نیست، بلکه فقط شب است که «قدر» در آن وجود دارد.

و اینکه می بینم این شب از شبهای دیگر ارزش بیشتری پیدا می کند نسبت به مقطع زمانی بدین جهت است که این شب در رابطه با عبادت است.

علی (ع) بود که از شب قدرها بهترین استفاده را برد. در مقطعی زمانی خود، شب قدر خصوصیتی دارد. عبادت در شب نسبت به روح انسان اثر بیشتری دارد. علتش تمرکز قوا آرامش روحی و کمی آمال میباشد. علی (ع) در آخرین لحظات زندگی، هنگام فجر، در حالی که نگاه به افق میکرد فرمود:

ای سپیده دم، نشد که هیچگاه تو سر از افق بیرون بیآوری و چشمان علی در خواب باشد.

یعنی من در این مقطعی زمانی، سیر معنوی و عبادات را انجام داده ام.

سراسر زندگی علی (ع) گویای این مسئله است. علی (ع) شب نیروی معنوی میگیرد و روز برای کارهای مردم بپا میخیزد. آن چیزی که به علی ارزش داد همان عبادت و ناله های شبانه او بود.

«دید باطنی بشر از نظر بینائی عبادت اوست»

بقیه در صفحه ۶۲

*** کسی می تواند از شب قدر بهره گیری نماید که خودش را در شبهای سال آماده نموده باشد. آتش نتیجه کارش را بگیرد.**

*** علی (ع) در آخرین لحظات زندگی، هنگام فجر، در حالی که نگاه به افق میکرد فرمود: ای سپیده دم، نشد که هیچگاه تو سر از افق بیآوری و چشمان علی در خواب باشد. یعنی من در این مقطعی زمانی، سیر معنوی و عبادات را انجام داده ام.**

*** سراسر زندگی علی (ع) گویای این مسئله است. علی (ع) شب نیروی معنوی میگیرد و روز برای کارهای مردم بپا میخیزد. آن چیزی که به علی ارزش داد همان عبادت و ناله های شبانه او بود.**

«دید باطنی بشر از نظر بینائی عبادت اوست»

بقیه در صفحه ۶۲

چراغ فطرتی که در وجود انسان هست روشنی اش بوسیله «عبادت است. علی (ع) در بین پیام انسانها، منهای انبیا، سمبلی است از نظر معنویت. لذا دستور داریم که اگر کسی بخواد سیر معنوی کند، بهترین مقطعه‌های زمانی «شب = لیل» است. و در بین تمام شبها، شب قدر.

کسی می تواند بهره گیری از شب قدر بنماید که خودش را در شبهای سال آماده نموده باشد. تا آنشب نتیجه کارش را بگیرد. اینست که بوسیله الهامات حقایق کشف میشود. لذا علی (ع) جملاتی را که در مورد شب قدر بیان می کند، هیچ پیغمبری جز پیغمبر اسلام نمی تواند بیان کند. جهت دوم: شب قدر ارزش عبادتی اش بیشتر از هزار ماه است.

اهل سنت هم نقل کرده اند، که پیغمبر اکرم (ص) شبی در خواب دید که بنی امیه در منبر او بالا رفته اند و حکمرانی مملکت را می کنند (در بعضی از روایات آمده است که آنها بشکل بوزینگانی بودند) پیغمبر اکرم خیلی ناراحت شدند که بنی امیه حکومت را در دست گرفته اند. وقتی جبرئیل آمد خدمت پیغمبر، فرمودند یک چنین چیزی را در رویا دیدم. جبرئیل رفت بعد این آیه نازل شد.

لیلة القدر خیر من الف شهره که در اینجا «خیر» اینست که شب قدر بهتر از هزار ماه است. که روایت دارد حکومت آنها هزار ماه بود و بعد منقرض شد.

در اینجا ۲ مسئله وجود دارد:

مسئله اول: «مسئله مقایسه بین معنویت و مادیت مطرح است در رابطه با مسئله حکومت بنی امیه که هزار ماه طول کشید. و دیگری مسئله شب قدر. اگر در یک چنین مقطع زمانی، یک چنین استفاده معنوی از آیه شود ارزشش در نظر خدا بیشتر است یا هزار ماه حکومت جبار یا به تعبیر دیگر، آیا یک شب با خدا بودن علی وار بهتر است یا هزار ماه خلافت کردن از راه باطل اگر برای یک انسان مقایسه شود کدام بهتر است؟؟؟»

یک شب قدر انسان را صعود می دهد. ولی هزار ماه باطل انسان را به سقوط می کشاند در واقع، عبادت یک امری است واقعی، و حکومت امری است بوج. (البته حکومت طاغوت)

مسئله دوم: شاید نظر به این باشد که آیا حکومتی که بخواد انسانها را سوق دهد بسوی آدمیت (چه از نظر معاش، و چه از نظر معاد) و حکومتی که پایه ریزش صحیح باشد و دستورات

و فرمانها و قوانین که بر طبق سازمان وجودی انسانها باشد اجرا کند با ارزش است؟ یا حکومتی که پایه اش شهوت و غرور و حسد..... باشد؟ از نظر ارزش در مقایسه کدام افضل است. قابل مقایسه نیست؛ ای رسول الله، همان شب قدر که در آن قرآن (مجموعه برنامه های انسان ساز) دفعتاً بر قلب مقدس تو نازل شد در رابطه با هزاران مسائل حکومتی می باشد. لیلة القدر خیر من الف شهره یعنی برد و ارزش این قوانین و فرمانها از نظر انسانها بیشتر است از حکومتهایی که بوسیله بنی امیه ها تشکیل میشود و بر بشر حکومت میکند.

چون آن هزار ماه حکومت بنی امیه منقرض میشود ولی این مجموعه قوانین که از نظر معنوی بر تو نازل نمودیم برنش خیلی زیاد است و در بشر باقی می ماند. نگاه نکن که بعد از تو می آیند و حکومت را غصب می کنند آنها بالاخره منقرض میشوند ولی دین تو برای ابد باقی می ماند. به تعبیر دیگر «ان شانتک هو الایتة»

تا اینجا سه بار «لیلة القدر» را تکرار نموده، خصوصاً در مرحله دوم میفرماید، و ما ادریک ما لیلة القدر، اینقدر اهمیت دارد لیلة القدر که ندانی چیست آن؟؟ چرا؟؟؟

«ادامه دارد»

امام جعفر صادق (ع)

وظیفه را برای فضیلتی بزرگتر که رضای خدا و راحتی مردم باشد می خواهد و طلب می کند، در مکتب اخلاقی امام (ع) حکمت با عفت درهم آمیخته و شجاعت با عدالت بیوندی ناگسستنی یافته است که:

الغضب مفتاح کل شر (۹)

خشم و غضب کلید تمام پلیدیهاست.

«وَمَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَإِذَا رَهَبَ وَإِذَا اِسْتَهَى وَإِذَا غَضِبَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ» کسیکه میتواند جلوی خواسته های خود را بگیرد و از شدت میل و شهوت و یا غضب و خشم خود بکاهد و مالک خود باشد خداوند بدن او را بر آتش حرام کرده است.

در بینش اخلاقی امام (ع) عدالت فردی در عدالت اجتماعی به زیباترین وجه آمیخته گردیده و آنچنان نیست که هر انسانی در حالت عادی برای انسانهای دیگر گریگ و درنده و طبعاً شریر و جنایت کار باشد (۱۰)

ملکه:

سید الاعمال: انصاف الناس من نفسک حتی لاترضی بشی لنفسک اذا رضیت لهم بمنثله «بهترین رفتار انسان سه چیز است که یکی از آنها این است که با مردم به عدل و انصاف رفتار کنی و برای خود چیزی نخواهی مگر آنکه برای دیگران نیز مثل آن را خواسته باشید. (۱۱)

و بالاتر از همه اینها زندگی و حیا این معلمان بزرگ بشریت است، حیاتی که اسوه بارز مقام (ان الله یحول بین المرء وقلبه) است و سرش نهانی که از شهادت یک بینهایت نشان دارد.

وَالسَّلَامُ عَلَیْکَ یَوْمَ وَلِدَیْوَمَ یَمُوتُ وَ یَوْمَ تَبِعْتَ حَیَاةَ

قرآن مجید

۱ - الامام الصادق والمذاهب الاربعه - ص ۳۳۸

ج ۲

۲ - الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۲ ص

۳۳۸

۲ - الامام الصادق والمذاهب الاربعه ج ۲ ص

۳۳۹

۴ - الامام الصادق والمذاهب الاربعه ج ۲ ص

۳۳۹

۵ - رجوع کنید به الاحتجاج - طبرسی - چاپ

بیروت ج ۲ ص ۳۳۲ تا ۳۳۷

۶ - الامام الصادق ج ۳ ص ۵۵

۷ - الامام ج ۲ ص ۷۷

۸ - برای دریافت بیشتر مکاتب اخلاقی یونان و غرب به کتاب ارزنده تاریخ فلسفه ویل دورانت مراجعه کنید.

۹ - حدیث سوم اصول کافی

۱۰ - این سخن از هابس است که نمونه ای از اخلاق حاکم بر غرب است.

۱۱ - برای دریافت بیشتر مکتب اخلاقی امام صادق (ع) به مقاله شهید مفتاح در کتاب اخلاق از دیدگاه قرآن سنت نگاه کنید.